

که از وی خلع کنند و او را بتخل آرد و قرآن خواند و چون او  
 بر آید قیسیلینهم الله و هو السميع العليم ریخته شود و خورده  
 بدین ضربا بر او وی بود و فرمود تا عمر با شرفینه بنامند  
 و در پی با علی مجاهد کند و مسکنان جنگ کاه او او از بعضی  
 از اقامت المؤمنین بر طرفین و جوانی عرب بسیار از مسلمانان  
 کشته شوند و فرمود غیر با غیر عمار و اقل کنند و اصحاب طایفه  
 او را کشتند و با عبد الله بن الزبیر رضی الله عنهما گفت و ای بر  
 خدایت از تو و دای بر تو از خدایت و در شان قرمان که در لشکر  
 اسلام بود و با کفار جنگ میکرد فرمود که او اذاهم رذوق است  
 و خود را قتل کرد و در شان جامعی را بر او بره و حدیقه ترمیم  
 بن چند در میان ایشان بود فرمود که آن کسی که از شما  
 پیروز گشتن مرد و شوره در پی هر چه گشتن بر او  
 بود و بر آن بسوخت و فرمود که خلافت در قریش باشد  
 مادام که تقویت دین کنند از ایشان بیرون نرود و فرمود  
 در تفت کلابی و هلاک کنند با شند و حجاج و مختار بودند  
 و فرمود که خدای تعالی مبیله قتل کند و اول کسی از اهل بیت  
 که بن دست فاطمه باشد و همچنان بود و صبر از حال او بنبر  
 فری و بیچی امیران که نماز از وقت مؤخر دادند و ظهور قدرتی  
 و روانی داد و فرمود که آنرا این امت دشنام به اول ایشان

دهند و انصار کم شوند تا غایبی چون نکل در طعام با شد  
 و او را ایشان متوقف می شود چنانکه جامعه ایشان بر او نند  
 و بعد از من مشقه و ستم به ایشان خواه هر رسید و در شان  
 حسین علی رضی الله عنهما که این فرزند من سید اهل جنت  
 است و زود با شد در میان حوکه و عظیم از مسلمانان  
 صلح اندازد و فرمود که از زمان من کسی بن زود تر بن رسد  
 که دست او را از تر بود و زینب بنحو و نیش داشت و اول  
 زلفا کرد و فرمود که حسین را حطف قتل آرد و مستحق حکم  
 بود که مفتح او قتل این خواهد بود و چهار این روايتها بر  
 او وی بود و فرمود که بیان و جیل و قتل و قتل و ضرا تا  
 شهری نیکنند و قران زمینه آنها برند و نهان کنند و این  
 بجز بود و روزی بازار در بند رفت و خدایت را از فرمود  
 فرمود و آنچه عمل می آوردند و آنچه اعمال میکردند خبر ایشان  
 میداد و حکم بن ابی العاص از عهد بود و کاه با پیغمبر صلی  
 الله علیه و سلم علیه میز بود اول اسنهنرا میگرد و اول در شان  
 میگردانند تا کاه پیغمبر صلی الله علیه و سلم التقات فرمود و در  
 وقت پیغمبر با ش و روی و روی میگرد و مکتوب شد و الله  
 اعلم فیصل سیف صحر میان بر عایت  
 حقوق حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم

فوق طفت ایمنی و شمشکی در فرات مستحق

التقات کورد مستحق

المعروفه و کوردیده شدن مستحق